

مقام حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء شخصیتی بی مثل در تاریخ بشریت اند و هیچ یک از ادیان گذشته از موهبت داشتن این چنین شخصیتی برخوردار نبوده است. فضل و عنایت حضرت بهاءالله که جامعه بهائی را پس از صعود در ظلّ حمایت غصن اعظم، حضرت عبدالبهاء قرار داده، قابل وصف نیست. حضرت بهاءالله نه تنها ظهور مبارک خود را به عالمیان ارزانی داشته اند؛ بلکه فرزند خود را نیز تقدیم نموده اند که با علم و حکمت وی عالم انسانی منور خواهد شد. مشکل بتوان حتی ذره ای از عظمت این ظهور را بدون آگاهی از مقام فرید حضرت عبدالبهاء درک نمود.

اولاً: حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان حضرت بهاءالله می باشند. قوه میثاق جامعه بهائی را متحد ساخته، از تعدی دشمنان حفظ خواهد نمود. قوه میثاق است که ضامن فتح و ظفر محتوم است. اساساً پیمانی که حضرت بهاءالله با پیروان خود بسته اند، لازمه اش این است که قلبهای خود را به مرکز عهد متوجه ساخته و به آن وفادار باشیم. حضرت عبدالبهاء مرکز عهد الهی هستند و طبق الواح مبارکه وصایا بعد از آن حضرت شوقی افندی ولی امر و مرکزی هستند که باید به ایشان توجه نماییم. الیوم مرکز عهد بیت العدل اعظم است که بنا به دستورات صریحه حضرت بهاءالله و تعلیمات واضحه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تشکیل گشته است.

ثانیاً: حضرت عبدالبهاء مبین مصون از خطای حضرت بهاءالله می باشند. ظهور حضرت بهاءالله و آثار منزله چنان وسیع است و معانی مکنونه در هر یک از بیانات نازله چنان عمیق که حضرتشان لازم دانستند بعد از خود مبیّتی جهت این آثار به جا گذارند و حضرتشان ملهم ایشان باشند و بدین ترتیب نسلهای آینده بشر می توانند تعالیم مبارکه حضرت بهاءالله را از طریق تبیینات حضرت عبدالبهاء در الواح و خُطَب عدیده ادراک نمایند و بعد از حضرت عبدالبهاء شوقی افندی مبین آیات الله بوده و با صعودشان وظیفه تبیین تا ابد و تا انتهای دور بهائی خاتمه یافت. همچنین باید بدانیم که با تعیین مبین آیات، حضرت بهاءالله فضل عظیمی شامل جامعه بهائی نمودند. در گذشته هر یک از ادیان به طرق متعدّد منقسم شدند؛ زیرا

از داشت مرکزی که یاران بتوانند در حین اختلاف نظر درباره معانی کلمات مُنْزَلَه در کتب مقدسه بدان مراجعه نمایند ، محروم بودند . ولی در این ظهور چنانچه معنی و مفهوم بیانات حضرت بهاءالله برای یاران روشن نباشد به تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مراجعه می نمایند و چنانچه مطلب واضح نگردد ، به بیت العدل اعظم توجّه می کنند و بدین ترتیب فرصتی برای اختلاف در تعالیم مبارکه باقی نمی ماند و وحدت امر الهی محفوظ می گردد .

ثالثاً : حضرت عبدالبهاء مَثَلِ اعْلای تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان می باشند . هر چند ما هیچگاه نمی توانیم به آن مرحله از کمال واصل شویم ولی باید همیشه آن حضرت را مَطْمَحِ نظر داشته و سعی نماییم در اثر اقدام حضرتشان مشی نماییم . وقتی عشق و مهربانی را مشاهده می نمائیم ، وقتی درباره تنزیه و تقدیس ، عدالت و انصاف ، راستی و صداقت ، فرح و سرور ، جود و سخاوت می خوانیم ، به حضرتش توجّه نموده و در حیات مبارک این صفات را که به حدّ کمال در آن حضرت تجلّی نموده ، خواهیم دید .

اما اساس حیات مبارک عبودیت است ... بیان ذیل از حضرت عبدالبهاء نشانه آرزوی مبارک به خدمت است :

« نام من عبدالبهاء ست ؛ صفت من عبدالبهاء ست ؛ حقیقت من عبدالبهاء ست ؛ نعت من عبدالبهاء ست ؛ رقیّت به جمال قدم ، اکلیل جلیل و تاج و هَاج من است و خدمت به نوع انسان آئین قدیم من ... نه اسمی دارد نه لقبی ؛ نه زکری خواهد نه نعتی جز عبدالبهاء . این است آرزوی من . این است اعظم آمال من . این است حیات ابدی من . این است عزّت سرمدی من . »